

## شادباش سال نوبه کارگران و مردم آزادخواه کردستان

شادی کردن، گل و گویم. رژیم اسلامی سرمایه بهار را به خانه آوردن، با تحمل ابعاد بیسابقه جلوه دلپذیری از فلاکت، با گسترش همبستگی و اتحاد و تعرض به معیشت مبارزه ما، در برابر کارگران و اکثریت این رژیم ضدشادی و عظیم شهروندان و با ضد آزادی را موجب تشدید سرکوب و میشود. شادی روزهای



از طرف کمیته خفقان، شادی نروزی را قدر بدانیم کردستان حزب فرارسیدن سال نو را به و زندگی را با آن حکمتیست سال نو کامان تلخ کرده است، طراوت تازه ببخشیم ۱۳۸۹ را به کارگران و اما در مقابل، در مردم تشنه آزادی و مناسبت نوروز دوستانه دور هم جمع شدن، برابری شادباش می

ادامه در صفحه ۸

### گفتگو با سلام زیجی

در رابطه با کشته شدن افراد سازمان  
زحمتکشان به دست جمهوری اسلامی و  
تاکتیک مبارزه مسلحانه

صفحه ۳

### تقلای بیهوده

(در حاشیه کمپین حمایتی عبدالله مهدی  
از جنبش سبز)

صفحه ۲

رحمان حسین زاده

### گرامیداشت ۸ مارس در شهرهای کردستان

مردم آزادخواه و روز رفتند. جامعه که امکان اجرای مراسم در ابعاد بزرگ برابر طلب در بنا به اخبار دریافتی از شهرهای کردستان روز ۸ مارس روز جهانی زن را گرامی داشتند و به عنوان روز اعتراض سمبلیک کمونیستها و آزادیخواهان به بردگی جنسی به استقبال این

ادامه در صفحه ۷

اکتبر ۳۳

Www.oktoberr.com

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست

سر دبیر: سلام زیجی s\_zijji@yahoo.se

دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۸ ۱۵ مارس ۲۰۱۰

### در باره انتشار مجدد نشریه

اکتبر

سلام زیجی

پس از یک وقفه چند ماهه از عدم انتشار نشریه اکتبر به اطلاع میرسانم که با این شماره اکتبر مجددا منتشر میشود. رفیق رضا دانش که سردبیری دور دوم اکتبر را عهده دار بود با پیگیری و تلاش فراوان تا شماره سی و دو آنرا به همراه چند ضمیمه ویژه منتشر کرد. با انتقال وی به بخش دیگر سازمان حزبی تداوم کار سردبیری اکتبر برای ایشان ممکن نگردید. در همینجا از رضا دانش به دلیل انتشار منظم تاکنونی نشریه ای که صدا و اعتراض و مبارزه کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان جامعه کردستان را نمایندگی میکرد صمیمانه تشکر میکنم و امیدوارم در مسئولیت جدیدش همچون سر دبیری اکتبر پرکار و موفق شوند. نشریه اکتبر از این شماره با سردبیری من و در ادامه نقشی که تاکنون ایفا کرده است، مجددا منتشر میشود.

انتشار اکتبر و در دسترس قرار دادن و رساندنش به دست کارگران و آزادیخواهان جامعه یک نیاز مبرم و یک ضرورت سیاسی است. ابزار مهم سیاسی کمونیستها و کارگران در عرصه های متعدد مبارزه سیاسی و نبرد طبقاتی در کردستان محسوب میشود. با جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام سرتاپا گند و جنایتکارانه سرمایه داری در تمام ابعاد آن درگیر میشود. جامعه طبقاتی کردستان را به تصویر میکشد و مانع فریبکاری احزاب و جنبش ناسیونالیستی کرد خواهد شد که تحت پوشش "ملت و خلق کرد" همواره منافع و اهداف واقعی ضد کارگری و ضد

ادامه در صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری

.....انتشار مجدد اکتبر

فعالین کارگری و کمونیست و همه فعالین جنبش رهائی زن و جوانان سوسیالیست و آزادیخواهان در داخل و خارج کشور استقبال میکند. نشریه اکتبر هر دو هفته یکبار و در روز دوشنبه منتشر میشود. اکتبر را از آن خود بدانید، آنرا بخوانید و تکثیر و توزیع کنید. در رساندن نشریه اکتبر به دست همه از جمله کارگران و آزادیخواهان در کردستان نهایت تلاش خود را بکار بگیرید.

۲۳ اسفند ۱۳۸۸

استتار میکنند و همیشه به ناسیونالیسم و بورژواهای" کردستانی" سرویس داده اند و سیاست و فرهنگ نفرت و دروغ و دشمنی در مورد کمونیستهای راستین طبقه کارگر و زحمتکش را دنبال میکنند روشنگری کند و در مورد اینها حقیقت را به جامعه و طبقه کارگر بگوید. بدیهی است که ما در کردستان نیز مانند همه ایران و دنیا نه با یک "جنبش انقلابی" مشترک که برعکس همواره با جنبشهای کاملاً متفاوت و متضاد و دو طبقه کاملاً متخاصم روبرو هستیم. نباید

آزادیخواهانه خود را پنهان کرده است. این نشریه به جنگ تباری و همراهی احزاب و روشنفکران بورژوا ناسیونالیست کرد با جمهوری اسلامی و یا شاخه سبز رژیم که بر علیه آزادی و سعادت مردم و به نفع تداوم حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی تمام شده است خواهد رفت. اکتبر همچنین موظف است جریانات چپ نما که تحت عنوان "جنبش انقلابی کردستان" و "خلق کرد" و غیره سوسیالیسم ملی خود را

## تقلای بیهوده

رحمان حسین زاده

(در حاشیه کمپین حمایتی عبدالله مهدی از جنبش سبز)

احتمالی بعدی این جنبش (امثال سروش و اطاق فکریهای جنبش سبز) ظرفیت پاکداشتن به این عرصه ها و پرداختن به این مطالبات را ندارند. مهدی خود نیز اینها را میداند و متوهم و ساده لوح هم نیست. این سیما سازی دروغین سیاسی برای جنبش سبز و این تحریف واقعیات دقیقاً هدفمند و در خدمت جانداختن یک حرکت و سیاست ارتجاعی در کردستان توسط مهدی اتخاذ شده است. مهدی متوجه است که فضای سیاسی کردستان به نفع جنبش سبز نیست، در این 9 ماهی که از عمر جنبش سبز طی شده، و علیرغم تلاش قشرده و هماهنگ چند ماهه اخیر احزاب ناسیونالیست در حمایت از جنبش سبز و مشخصاً فراخوان هماهنگ این احزاب در مناسبت مرگ منتظری و روز 22 بهمن، مردم در کردستان به فراخوان این احزاب جوابی ندادند و از جنبش سبز حمایت نکردند.

ادامه در صفحه ۴

فرموله کردن سیاست دست راستی حمایت از یک جنبش بورژوایی بی ربط به منافع مردم و جامعه است. مهدی بسیار حماسی با حمایت از جنبش سبز جاری شروع میکند و بسیار زود با نسبت دادن مطالبات و خواسته هایی به جنبش سبز میخواهد سیمای سیاسی دروغینی برای آن بترشد. پلاتفرم و سیاست و رهبری حاکم و ناظر بر تحرک جاری تحت نام جنبش سبز برای همگان معرفی شده است. تا کنون سیمای سیاسی و ارکان رهبری و سیاست عملی این جنبش از چارچوب کشمکش جناحهای شناخته شده جمهوری اسلامی فراتر نرفته است. لذا "تغییر قانون اساسی، تامین دموکراسی (همین دموکراسی متعارف پارلمانی)، جدایی دین از دولت و سکولاریسم"، و از همه بیامورد تر تحقق "برابری زن و مرد حتی در عرصه حقوقی" تماماً وصله ناجور بر پیکره کنونی جنبش سبز است. اینها عرصه ها و خواسته هایی هستند که رهبران کنونی و رهبران

عاقبت عبدالله مهدی "دبیر کل سازمان زحمتکشان" طبق عادت همیشگی اش، بعد از ماهها سبک و سنگین کردن و این پا و آن پا کردن طی نوشته "کردها و جنبش سبز" حمایت خود و سازمان مطبوعه اش را از "جنبش سبز" اعلام کرد. مهدی که در مقایسه با جناحهای پخته تر بورژوا-ناسیونالیسم کرد که زودتر هم در انتخابات شرکت کردند و هم از روز اول بی تردید در کنار جنبش سبز ایستادند، تاخیر داشت و میدان بازی سیاسی را باخته است، طبق معمول برای جبران مافات ظاهراً "زیرکانه" میخواهد بیش از این از قافله عقب نماند و حتی جلوتر بزند. لذا او و مشاوران محدودنگرترش فکرهایشان را رو هم ریخته به این نتیجه رسیده اند، حول بیانیه مهدی کمپین همبستگی انترنتی راه اندازی کنند. این کمپین بدون اینکه توانسته باشد، توجه یک حزب و یا گروه و نهاد سیاسی و مدنی مطرح و جدی ناسیونالیست کردستان را جلب کرده باشد، تاکنون توسط تعدادی از فعالین

## مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سو ۴

## در رابطه با کشته شدن افراد سازمان زحمتکشان به دست جمهوری اسلامی و تاکتیک مبارزه مسلحانه

مصاحبه کننده: اسماعیل ویسی  
 سایت اکتبر: طبق اخبار رسیده اخیراً چند نفر از اعضای احزاب و جریانات مسلح "سازمان زحمتکشان کردستان و حزب دموکرات کردستان" به کمین نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی در کردستان افتاده و جان باختند. این حرکت و تاکتیک در میان جریانات، احزاب و محافل سیاسی در کردستان بحث‌هایی را در موافقت و مخالفت این تاکتیک "مبارزه مسلحانه" دامن زده است. بنظر میرسد رژیم این اقدامات را بار دیگر بهانه تشدید فشار و جو ارباب کرده است. شما این وقایع و مباحث حول آنرا چگونه بررسی میکنید؟

**سلام زیجی:** جمهوری اسلامی سی سال است هر روز ترور و جنایت می‌افزیند. در بیش از نود درصد این سرکوبگرها نیازی به توجیهات مسلح شدن این و آن نداشته است. نفس وجود زن، کارگر، جوان، شادی، پوشش و تفریح و... همه عامل "توجیه" سرکوبند برای رژیم‌هایی که موجودیت خود را متناقض با نفس انسانیت و مدنیت و آزادی جامعه می‌بینند. این رژیم به عوامریبی و دروغ‌های از این دست متوسل میشود تا جنایات و آدمکشی خود را توجیه کند. تا سازمان عریض و طویل ترور و کشتار نیروهای مسلح خود را موجه جلوه دهد و مجوزی برای سرکوب و امنیتی تر کردن فضای جامعه توسط دستگاه سرکوب و اوباش حزب الهی خود صادر کند. کسی که به این ادعای رژیم مهر تأیید بگذارد اگر نا آگاه نباشد قطعاً در بقا رژیم خود را ذیفع می‌داند.

ادعاهای اخیر رژیم مبنی بر "پیروزی نظامی" خود بر "اپوزیسیون" مسلح و در بوق و کرنا کردن آن دقیقاً در راستای مرعوب کردن جامعه و در خدمت سرکوب مبارزات کارگران و آزادیخواهان بکار گرفته میشود. از نمایش مسخره آدمربانی عبدالملک ریگی، که با همکاری آمریکا و کشورهای دیگر از جمله پاکستان صورت گرفت، تا پروپاگاندا وسیع در مورد کشتن چهار نفر از افراد سازمان زحمتکشان (شاخه عمر ایلخانی زاده) که به اسم کومله فعالیت میکنند، و همچنین ادعا دستگیری سه نفر "بمب گذار" دیگر از "کومه‌له" در تهران و چند نفر دیگر از حزب دمکرات کردستان ایران در منطقه سردشت و پیرانشهر و دیگر اقدامات و ادعاهای مشابه از جمله این تبلیغات مرعوب کننده بود و از این طریق قدرت خود را به رخ جامعه کشید. البته دستگیری افراد "کومله" در تهران و یا افرادی از حزب دمکرات از جانب خود این سازمانها تکذیب شده است. برای ما این حربه‌ها و جنایات و تروریسم جمهوری اسلامی تازگی ندارد و هر روز با آن درگیر هستیم، محکوم کرده ایم و بر علیه آن با قاطعیت ایستاده ایم و پایان این جنایت تنها با سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی ممکن خواهد شد! اما اقدامات اخیر رژیم از جمله ترور و کشتن چهار نفر از افراد سازمان زحمتکشان، که خود آن گروه کشتن آنها را تأیید کرده است، قویاً محکوم میکنیم. درجه اختلاف و دوری و نزدیکی سیاسی با نیروهایی که کم و بیش در اپوزیسیون رژیم قرار دارند نباید به هیچ وجه در حمله به اپوزیسیون دخالت داد و در مقابل آن سکوت کرد. سیاست سکوت یا توجیهات موزیانه دلایل اختلاف و فیمابین سیاسی به رژیم و تداوم جنایت او کمک خواهد کرد.

بنظر من تحت هیچ شرایطی نباید تعرض جمهوری اسلامی را به اپوزیسیون و پروژه‌های تروریستی او را بی پاسخ گذاشت. این حداقل پرنسیب و سیاست اصولی است که باید انتظار داشت، البته خود این جریانات در موارد مشابه تعرض رژیم به اپوزیسیون سکوت کرده اند. این جریانات از جمله جریانات ناسیونالیست کرد فرسنگها از آن پرنسیب و انتظار فاصله دارند.

**سایت اکتبر:** این توضیحات شما درست است. اما به طور مشخص سنوالی که مطرح است این است که بی مسئولیتی رهبری سازمان زحمتکشان را در قبال افراد مسلح مطرح میکند. نظر شما چیست؟

**سلام زیجی:** همانطور که گفتم از نظر ما جمهوری اسلامی به عنوان مقصر اصلی و بانی تروریسم و جنایت از جمله در تعرض به نیروهای این جریانات محکوم و مقصر است. تنها با بیان این حقیقت است که میتوان در قدم بعد سیاست و تاکتیک‌هایی را که افسارگسیخته گی رژیم را دامن می‌زند به نقد کشید. از جمله در برخورد به سیاستهای غیر عقلانی و غیر مسئولانه جریاناتی چون سازمان زحمتکشان که بی محابا و در نهایت ناتوانی و بی مسئولیتی در قبال افراد دست به چنین "فعالتهای مالی" می‌زنند و هر دوره تعدادی از افراد بیگناه صفوف خود را برای تامین رویاهای متحقق نشده روسای سازمانی روانه تورهای مرگ جمهوری اسلامی میکنند. بگذارید همینجا تأکید کنم که دست بردن به اسلحه در مقابل رژیم در کردستان مشروع است، اما با کدام هدف و سیاست؟ چنین عرصه‌ای را بسیار هدفمند و

سنجیده و در ارتباط منطقی با پیشبرد مبارزه حق طلبانه مردم در کردستان باید سازمان داده شود. این همان بعد مسئله است که جریان ماجراجو و غیر مسئولی چون سازمان زحمتکشان تحت مسئولیت ایلخانی زاده و دیگران از آن بی بهره است. باید مجدداً تأکید کنم به هر شکل و هر نوع و در هر دوره ای استفاده از اسلحه نه مجاز است و نه مفید به حال مردم. کسی که می‌رود در مرکز شهر به اسم کردایتی یا اسلامی بمب می‌گذارد همان اندازه مضر به حال جامعه است که به اسم پیشمرگه و آنهم در نهایت ناتوانی و بی لیاقتی، امروز برود جایی گویا "استونی را منهدم کنید!" یا آخوندی را ترور کنید یا با ماجرا جویی کودکانه کسانی را به کشتارگاههای رژیم روانه کنید. این روشهای "مبارزاتی" ویژه دسته جاتی هستند که رشد خود را در گرو به آتش کشیدن جامعه می‌بینند و از این جنبه با "سیاستهای نظامی" خود رژیم بسیار تشابه دارند. در این مورد مشخص حتی به لحاظ تاکتیک نظامی صرف هم هر انسان آشنا به جغرافیای کردستان و تجربه فعالیت مسلحانه علنی میداند که اعزام یک واحد کوچک نظامی آنهم به مناطق غیر مرزی و عمقی تر و در فصل زمستان با محدودیتهای که برای مانور هر واحد ایجاد میشود و در شرایط میلیتاریزه بودن کامل کردستان و امکان ارتباطات سریع و هر لحظه جاسوسان جمهوری اسلامی با نیروهای سرکوبگر، و فراتر از آن نداشتن پوشش و حمایت توده‌ای، اقدامی است که فقط با ماجراجویی و بی مسئولیتی عمیق طراحان آن قابل توضیح نیست.

# نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

مهندی و سازمان مربوطه حال که میخواستند در کردستان برای جنبش سبز حمایت جلب کنند، متوجه اند که در جامعه کردستان با توجه به حضور قوی چپ و آزادیخواهی، انتظارات و توقعات بالا است. مطالبات مترقی جدی مطرحند، لذا زیر این فشار به مانند هر نیروی بورژوازی و اپورتونیست تحریف و تحمیق مردم را پیشه کرده اند. میخواستند خواسته ها و مطالبات مترقی ای را به جنبش سبز نسبت دهند و حتی اسم دوم جنبش "دمکراسی خواهی و سکولاریستی" را برایش اختراع کنند، تا بتوانند ماهیت مترقی و قابل حمایت را نزد مردم کردستان برای این جنبش دست و پا کنند. کاراکتر سازی دروغین برای جنبش سبز در خدمت سیات ارتجاعی کسب حمایت برای این جنبش در میان مردم است. این سیاست اپورتونیستی و ارتجاعی و این خود فریبی و عوامفریبی نازل به دلایل قابل فهمی به نتیجه نمیرسد که در ادامه مطلب به آن بر میگردم.

### بورژوا ناسیونالیسم کرد، جنبش سبز و سیاست التقاطی مهندی

مهندی و سازمان مربوطه اش نه تنها اولین نیروی ناسیونالیست حمایت کننده جنبش سبز نیستند، بلکه پسفراول این موج هستند. چند سال است ناسیونالیستهای کرد پرو رژیم داخل کشور در "جبهه متحد کرد و در فراکسیون کردهای مجلس" شفاف و منسجم خواستار حمایت جنبش ملی کرد (بخوان جنبش بورژوازی کرد) و همه سازمانهای ناسیونالیست آن از جنبش اصلاحات دوره خاتمی و اکنون از جنبش سبز هستند. در دوره اخیر پژاک و حزب دمکرات کردستان به رهبری خالد عزیزی به تلاش ناسیونالیستهای داخل کشور پیوستند، هم در انتخابات شرکت کردند و در ادامه بی اما و اگر از جنبش سبز حمایت کردند. در این

میان خالد عزیزی و حزبش بر خلاف التقاط گویی امثال مهندی، یک پلاتفرم بورژوازی شفاف و منسجم با الزامات پیوستن به جنبش بورژوازی سبز را برافراشته اند. بورژوازی کرد میخواهد قدرت اقتصادی و سیاسی آن در ایران و در اداره امور کردستان به رسمیت شناخته شود. احزاب بورژوازی کرد این هدف را در قالبهای مختلف از جمله "خودمختاری" و اخیراً "فدرالیسم" فرموله کرده اند. بر این اساس همیشه استعداد نزدیکی و هم کاسه شدن و سازش و توافق با بورژوازی سراسری را داشته اند. آنچه تاکنون مانع این هدف آنها بوده، این واقعیت است که بورژوازی سراسری و دولت آن و مشخصاً در این سی ساله دولت جمهوری اسلامی این موقعیت را برای بورژوازی کرد به رسمیت نشناخته است. اکنون که فکر میکنند احتمالاً جنبش سبز در فردای قدرت گیری سهم آنها را در اقتصاد و سیاست به رسمیت بشناسد، با پلاتفرم منسجمی که شانس قبول آن از جانب سران جنبش سبز بیشتر است، قدم جلو گذاشته اند. اجزای این پلاتفرم حزب دمکرات کردستان از زبان دبیرکلش خالد عزیزی به این شکل فرموله کرده است که: - خواست سرنگونی جمهوری اسلامی را ندارند. - با جمهوری اسلامی سبز مدارا میکنند. - در چارچوب قانون اساسی حاضر به دیالوگ هستند. - بند 15 و 19 قانون اساسی را میتوانند مبنای دیالوگ قرار دهند. - فعالیت مسلحانه را کنار گذاشته و آماده مذاکره هستند.

### سیاست التقاطی و معدل گیرانه بی نتیجه است

پلاتفرم و کمپین مهندی التقاطی است و از چند مشکل اساسی رنج میبرد. الف- آنجا که میخواهد خواسته های "تغییر قانون اساسی و سکولاریستی و برابری حقوقی زن و مرد" را به جنبش سبز بچسباند، ناموفق است. صرفنظر از هر هدف ریاکارانه، دروغین و کاذبی که در این حرکت ظاهراً "ترقیخواهانه" مهندی موجود باشد، جنبش سبز چنین خواسته هایی را بر نمی تابد. ب- پلاتفرم مهندی با خواسته ها و اهداف بورژوازی کرد هم همخوانی کامل ندارد. داعیه های "سکولاریستی و تغییرقانون اساسی و ..." واضح است در تناسب قوای کنونی و در ارتباط با حمایت از جنبش سبز مورد توجه بورژوازی کرد و احزاب اصلی و شناخته شده ناسیونالیست از جمله شاخه های مختلف حزب دمکرات و ناسیونالیستهای داخل کشور نیست.

به این دلایل سیاست و کمپین مهندی نه مایه دلگرمی جنبش سبز است و نه مایه دلخوشی جنبش ناسیونالیسم کرد. به قول معروف "سر او بی کلاه مانده" است. مثل اینکه مهندی متوجه این

التقاط گویی در پلاتفرمش هست، به همین دلیل در سراسر متن طولانی نوشته "کردها و جنبش سبز" با معدل گیری از نظرات جریانات مختلف، با اسم بردنهای سبک، بیمورد و بی ربط و امتیاز دادن دور از حقیقت به این و آن جریان و شخصیت سیاسی از جمله شیخ عزالدین حسینی و عبدالرحمن قاسملو در صدد به دست آوردن دل هواداران آنها و جلب توجه آنها برای طرح التقاطی و بی نتیجه اش است.

خلاصه کنم: اولاً، تلاشهای مهندی و سازمانش برای سیما سازی سیاسی دروغین از جنبش سبز و "سکولار و مترقی" جلوه دادن آن و موجه جلوه دادن حمایت از آن، قربانی کردن سکولاریسم و ترقیخواهی و خاک پاشیدن در چشم مردم است. چنین کمپینهای کاذب را مردم هوشیار و صف آزادیخواه و برابری طلب در کردستان خنثی خواهند کرد. دوما پلاتفرم التقاطی مهندی نه در جنبش سبز و نه در جنبش ناسیونالیسم کرد جدی گرفته خواهد شد. هیچ کمپین انترنیتی در دنیای مجازی بی نتیجگی تلاش کنونی وی را جبران نمیکند. سوماً، پروژه دیر هنگام مهندی برای حمایت از جنبش سبز و به طور کلی پروژه کل ناسیونالیسم کرد، اکنون با این بدبختی روبرو است که جنبش سبز با عقب نشینی و سردرگمی و بلاتکلیفی روبرو است، در نتیجه مهندی و همه امیدبستانگان به جنبش سبز نیز با سردرگمی و بلاتکلیفی و ناکامی روبرو خواهند شد. لذا امیدواریهای کنونی مهندی به جنبش سبز همانند امید بستن های واهی دوره قبل او به سیاستهای جنگی آمریکا و جورج بوش تقابلی بیهوده بیش نیست.

\*\*\*

**اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است!**

سیاسی کنونی کردستان و بی ربطی و تناقض این سنت با روند مبارزات شهری و آزادیخواهان و اجتماعی دارد.

**سایت اکتبر: وجود نیروی مسلح و فعالیت مسلحانه در کردستان در گسترش بخشیدن به جو و فضای اعتراضی چه تاثیری میتواند داشته باشد، گارد آزادی در این تصویر کجا قرار میگیرد؟ رابطه نیروی مسلح و جنبش های سیاسی به چه شکلی ارزیابی میکنید؟**

**سلام زیجی:** نه هر نیروی مسلحی به نفع است و نه جامعه امروز کردستان مجبور است که در این زمینه همچنان متأثر از سنت و فرهنگ دوره سمو و شیخ محمود و قاضی محمد باشد. دوره حماسی و یکه تازی سنت رایج پیشمرگانه بسر رسیده است و امروز مردم با دید نجات دهنده و "رهائی بخش" به آن نگاه نمیکند. در دو دهه اخیر بسیار روشنتر سیاست ناظر بر عرصه نظامی و اهداف و افق ناظر بر آن قابل تعریف و تشخیص است. جز عوامفریبان همه میدانند که کار نظامی و جایگاه آن نیز همانند تمامی عرصه های دیگر مبارزه سیاسی و اجتماعی بشود مهر و رنگ طبقاتی بر خود دارد و منافع متفاوت و متضاد اجتماعی را نمایندگی میکند. مثبت یا منفی دیدن نیروی مسلح بستگی به این دارد که این نیروی مسلح و آن فعالیت مسلحانه متعلق به چه جنبشی و برای چه هدفی به وجود آمده است و چرا فعالیت نظامی میکند. نیروهای مسلح کنونی احزاب کرد در منطقه متعلق به یک جنبش ملی-بورژوازی واحدند که در سازمانهای متفاوت ناسیونالیستی قرار گرفته اند. نماینده گی کردن اعتراض جنبش بورژوازی و روشنفکران فرهنگی و ناراضی کرد در رابطه با حکومت مرکزی و گرفتن سهم طبقه خود در زمینه چپاول ثروت، شریک شدن در قدرت دولتی و اعمال حاکمیت بر جامعه نهایت استراتژی این جنبش و نیروها میباشد.

ادامه ص ۶

بگویم رژیم حاضر به دادن امتیاز به آنها نیست، فعلاً از سهم شدن خود در قدرت سیاسی و اقتصادی و دولتی مطمئن نیستند و آنرا دور از دسترس میبینند، حاضر نیستند رسماً و عملاً به همکاران کرد خود در جنبش سبز و جمهوری اسلامی ملحق شوند. به جای پیوستن عربان و یکجانبه دیروشان به ارابه جنگی امریکا امروز همزمان در تلاشند تا حداقل در صف بخشی از بورژوازی و جناح سبز موسوی و کروبی و "جنبش سبز مدنی" پذیرفته شوند. تا انتهای آن مسیر در حفظ ظرفیت و پتانسیل نظامی اردوگاه نشینی و بی خاصیت خود دست نمیکشند. در هر حال من هم تاکتیک و مبارزه مسلحانه موجود سنت ناسیونالیستی پیشمرگانه را قبول ندارم و رد میکنم و مفید به حال جامعه و مبارزه نمیدانم و هم تلاش مخالفین پروپاقرص رژیم و روشنفکران "دمکراسی خواه و مدنی" شده امروزی را که بر علیه مسلح شدن مردم و مبارزه مسلحانه صف کشیده اند و قلمفرسائی میکنند به عنوان پروژه ای که در خدمت جمهوری اسلامی است میبینم. از نظر فنی و نظامی نیز حرکت های مسلحانه این احزاب به طور کلی و مواردی که اخیراً متحمل ضرباتی شده اند نه تنها به عنوان "تاکتیک" نادرست و اشتباه آمیز میدانم بلکه کل استراتژی سیاسی که تاکتیک و استراتژی نظامی آنها از آن مایه میگیرد را مضر به حال جامعه کردستان میدانم. سیاست نظامی سنت ناسیونالیستی پیشمرگانه این جریان را در بن بست آشکار میبینم. ضربات پی در پی که این جریانات متحمل میشوند تنها با اشتباه در "تاکتیک نظامی" دوره ای نمیشود توضیح داد بلکه خود این ریشه در بن بست و ناتوانی کلیت شکل و سنت موجود فعالیت "میلیتانت" ناسیونالیستی و سیاست ناظر بر عرصه مبارزه مسلحانه در شرایط مشخص

به نظر در یک سازمان سیاسی با پرنسیب و نرمال سازماندهندگان چنین فعالیتی باید پاسخگو و جوابگو باشند و مجازات شوند. این کار را از جریان ناسالم و غیر مسئول سازمان زحمتکش ایلخانی زاده بعید میدانم. اینجا یادآوری کنم این اقدام ماجراجویانه و نامسئولانه کاملاً در انطباق با آن افق و سیاسی است که عمر ایلخانی زاده و همراهانش همیشه کل فلسفه وجودیشان را با فعالیت مسلحانه تعریف کرده و میکنند و یک شعار اصلیشان در این آخرین انشعابشان از بقیه این بود که همانند "پژاک" در کوههای "قندیل" مستقر میشوند و فعالیت مسلحانه کنند. تفاوت در اینست که پژاک امکان استقرار در آنجا را داشت و اینها این امکان را هم ندارند. در هر حال این نوع از فعالیت نظامی که ویژه همه احزاب ناسیونالیست است نه تنها مانعی است در سر راه مبارزه انقلابی آزادیخواهان که حتی مانعی است بر سر راه توده ای شدن شکل مبارزه مسلحانه بر علیه جمهوری اسلامی. از نظر سازمانی نیز این نوع "نظامیگری" خاصیتش این است که همزمان هم تعیین تکلیف میکنند وهم امتیاز میگیرند و مضاف بر این چند صباحی هم "روحیه" را بالا نگاه خواهند داشت. من نمیفهمم این چه روحیه ای است که هر بار با شکست و نابودی تامين میگردد؟

**سایت اکتبر: این رویداد بار دیگر به موضوع موافقت و مخالفت با مبارزه مسلحانه در کردستان دامن زده است. نظر شما چیست؟ سلام زیجی:** اینکه این وقایع به نظریات موافق و مخالف در عرصه "مبارزه مسلحانه" دامن زده است چیز تازه ای نیست. بحثی است متأثر از فضای سیاسی امروز ایران. جدلی است در بین نیروهای یک جنبش واحد در کردستان که من دیدگاه هردو را قبلاً بطور مفصل نقد و رد کرده ام (خوندگان را به لینک این

زنده باد آزادی زنده باد برابری

چپاول ثروت، شریک شدن در قدرت دولتی و اعمال حاکمیت بر جامعه نهایت استراتژی این جنبش و نیروها میباشد. این تمام هویت، تاریخ و اهداف و زندگی آنها بوده و هست. بخش اعظم آنها هیچ درجه ای از خواست سرنگونی رژیم را هیچگاه نمایندگی نکرده اند. هیچگاه برای بدست آوردن جامعه آزاد و رفا اجتماعی و آزادیهای سیاسی و حق کارگر و آزادی زن و غیره مبارزه نکرده و نمیکنند و نخواهند کرد. هر گاه چنین ادعاهای را نیز کرده اند برای فریب، برای گردآوری نیرو و مربوط به دوره ای است که دستشان به هیچ بخشی از قدرت بند نبوده است. تاریخ و اسناد مستند و واقعیت های امروز تمام این حقایق را به اثبات رسانده است. حضور و وجود انسانهای آزاده و درد مند که اکثرا دارای انگیزه های پاک و آزادیخواهانه ای میباشد در صف این جنبش و احزاب سایه بر روی حقایق مورد اشاره نمیتواند بیاندازد، همانطور که انگیزه و سخن و درد و رنج و اهداف انسانی فردی هیچ یک از دنباله روان موسوی و احمدی نژاد و هیتلر و صدام نیز نه تنها به جایی نرسید که بر عکس به پارو زنان کشتی ثروت و قدرت و جنایت نظام سرمایه داری و روسا آن تبدیل شدند.

هر نوع نام حماسی و احساسی و قهرمانانه ای بر نیروی مسلحی که برای چنین اهداف و سیاستهایی و چنین جنبش گرد آمده بگذاریم، نباید کسی را فریب دهد که چنین نیروی کاری جز خدمت در به بقدرت رساندن طبقه زورگو و مفتخور و انگل سرمایه دار "محلی" و "خودی" که از جانب احزاب موجود ناسیونالیست نمایندگی میشوند نکرده و نخواهد کرد. نیروی مسلحی که حول این اهداف و احزاب شکل بگیرد نه امروز و نه هیچگاه قادر نخواهد بود به امر مبارزات آزادیخواهانه جامعه کمک مثبتی بکند. فعالیت هایش به شکستش و روند انقلابی در جامعه بی ربط است. مانعی

است بر سر راه مبارزات کارگری و آزادیخواهانه موجود. این سنت هر گاه امکان یابد و میدان عمل و مانور داشته باشد مقدم بر هر نوع مبارزه ای است. چون حافظ قدرت آنها و طبقه شان است. ماورا طبقات، قهرمان و نجات دهنده است چون نیروی "غیر سیاسی" ای است که از فریب و کلاه برداری احزابشان مبنی بر اینکه همه "کرد" هستیم، اینکه روز روز زن و کارگر و کمونیست و طبقات نیست به شیوه مسلحانه حمایت میکند و قدری نظامی اعمال میکند. در فردای دستیابی این احزاب و جنبش بورژوازی به قدرت، آن نیرو و سنت دقیقا جانشین همان ارگانهای ماورا جامعه و "حافظ منافع ملی" سرکوبگران خود رژیم خواهند شد و به ابزار حامی سرمایه و زورگویان و به نیروی سرکوب آزادی و کارگر و زن و مخالفین سیاسی تبدیل خواهند شد. همانطوریکه در کردستان ایران تجربه شد و در کردستان عراق هم اکنون شاهدش هستیم. اما اگر ما سازمان و نیروی مسلح و میلیس توده ای داشته باشیم که اهداف آن، دامنه اختیار آن و عملکردش در تقابل با سنت موجود ناسیونالیستی قرار بگیرد و اگر نیروی باشد برای دفاع از امنیت و آزادیهای سیاسی جامعه و در دفاع مستقیم از طبقه کارگر و محرومان در مقابل سرمایه داران و گانگسترهای اسلامی و قومی آنگاه ما میتوانیم از نقش چنین نیروی و ابراز وجود مسلحانه آن و رابطه اش با مبارزه کارگران و دیگر اقشار آزادیخواه صحبت کنیم و پاسخ ما به سوال شما مثبت خواهد بود. امروز و از راه نیروهای مسلح موجود احزاب کرد قطعا نمیتوان به این مبارزات کمی کرد. نه تنها این که در مقابله مسلحانه با رژیم هم بشدت ناتوان و ورشکسته است و هر بار که تلفات میدهند و شکست میخورند آوار این شکستها و تلفات بر سر جامعه و آزادیخواهان فرو ریخته

شده است. ما این "معایب" و "کمک به گسترش دامنه مبارزه" را بشدد مخرب میدانیم و مردم کردستان به هر درجه ای که با این شکل سنتی فاصله بگیرند به همان نسبت به اتکا به قدرت خود و ایجاد سازمانهای مبارزاتی خود از جمله به ایجاد سازمان توده ای مسلحانه متکی به خود نزدیکتر خواهند شد. بی تردید باید در کنار عرصه های متعدد مبارزه، عرصه مسلحانه نیز داشت. در مبارزه با رژیم و در پروسه روند سرنگونی آن طبقه کارگر و آزادیخواهان باید سازمان مسلح خود را داشته باشند. در کردستان در این نباید تردید داشت. اما یکی از پیش شرطهای آن گذر از سنت موجود ناتوان و بی ربط به منافع توده زحمتکش و بورژوا- ناسیونالیستی "پیشمرگ" است. جمهوری اسلامی نظامیگری و مسئله اسلحه و علل دست بردن احزاب و مردم به اسلحه را به جامعه کردستان تحمیل و کل فضا جامعه را نظامی و امنیتی کرده است. برای مقابله با آن و همچنین برای مقابله با نیروهای که قصد زورگویی به کارگران و جامعه را دارند و برای دفاع از مدنیت و امنیت جامعه، ما کارگران و کمونیستها نیز باید سازمان مسلح توده ای خود را در کردستان داشته باشیم که به اهدافی که برش مردم متکی و پایبند است. این نیرو برای کارگران و کمونیستها گارد آزادی است که سالها است به عنوان یک سنت تماما متمایز از سنت رایج ناسیونالیستی فعالیت دارد. گارد آزادی هم اکنون در شکل مسلح و غیر مسلح سازمان یافته است هر چند از نظر کمی و گسترش آن با ابعادی که نیاز جنبش ما را تامین کرده باشد هنوز فاصله زیادی داریم. با این حال ما نه در گذشته و نه اکنون سیاست "فعالیت نظامی" به معنای تعرض نظامی به نیروهای رژیم در دستور واحدهای گارد آزادی قرار نداده ایم اما دفاع از خود را برای آنها به رسمیت شناخته ایم. علل اینکه

ما "فعالیت مسلحانه" را در دستور گارد قرار نمیدهیم، به تناسب قوا نگاه میکنیم، به رابطه این کار با مبارزات جاری نگاه میکنیم به این بر میگردد که در این دوره شکل مسلحانه را به نفع گسترش مبارزه مردم دانسته و نمیدانیم. فکر میکنم با وجود هر درجه از قدری و نظامی کردن جامعه از طرف رژیم نباید تا جایی که ممکن است دست به نوعی از اقدامات مسلحانه زد که "بهباه" دست رژیم داده شود و فضا را نظامی تر کند. جدا از این جنبه فنی و نظامی قضیه، گارد آزادی اساسا به یک مجموعه فعالیت سیاسی استوار است که گسترش و "مطرح" کردن خود را نیز از این مسیر تامین خواهد کرد. از جمله: متحد کردن مردم بر علیه رژیم و هر دو جناح آن و دیگر نیروهای همکار جمهوری اسلامی، شناسایی افراد شرور رژیم و ارسال آن برای ما، تشویق مردم به دوری از قومپرستی و زن ستیزی، هشدار به افرادی که با رژیم همکاری میکنند، بسیج جامعه بر علیه جنایت قتل ناموسی و سنگسار و اعدام و تلاش برای ممانعت از اجرا آنها و بالاخره زمینه سازی برای گسترش خود در شکل مسلح و غیر مسلح اهم وظایف و فعالیتهای گارد آزادی در این دوره میباشد. در محلات و در مراکز کار و تحصیل و همچنین در برخی مراکز نظامی رژیم این فعالیتها ادامه دارد، میتواند گسترش پیدا کند و با وصل شدن هر واحد جدید به ما به شکل سازمانیافته به فعالیت خود ادامه خواهند داد.

از اینرو در این مقطع گارد آزادی از طریق فعالیت نظامی به روند مبارزات جاری تاثیر گذار نیست بر عکس خود بخشی از آن مبارزه سیاسی و اجتماعی است و با فعالیتهایش به کل این روند در راستا تامین منافع و افق جنبش طبقاتی و سوسیالیستی تاثیر گذار است.

ادامه ص ۸



همیشگی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب برای پایان دادن به نابرابری جنسیتی تبدیل شد.

اگر در نقاطی از ایران جنبش ارتجاعی سبز توانست رنگ خود را به روز زن، که عمیقا زد آزادی زن میباشد بزند اما در شهرهای زیادی تا جای که امکان گرامی داشت از این روز جهانی ممکن شد، فعالین جنبش رهائی زن مستقل از هیاهو و "خیزش انقلاب" پوچ سبزه‌ها و چپها همرا موسوی و جنبش 22 خرداد، آنطوری که شایسته روز زن بود به استقبال آن رفتند هر چند در مواردی دقت کافی برای تشخیص درست تناسب قوا و شرایط مساعد در انتخاب شکل برگزاری هشت مارس در نظر گرفته نشد

روز دوشنبه، هشتم مارس تعداد کثیری از زنان و مردان آزادیخواه با تجمع در پارک سپیدار سنندج و با در دست داشتن پلاکاردهایی در گرامی داشت روز جهانی زن تجمع کردند که با دخالت سریع نیروهای ضد مردمی به تشنج کشیده شد. نیروهای رژیم مانع از برگزاری هر گونه مراسم و تجمع به مناسبت روز زن بودند که با مقاومت زنان و مردان برابری طلب مواجه شدند. مقاومت مردم به درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی منجر شد. نیروهای رژیم توانستند 15 نفر از افراد

آزادیخواه را دستگیر کنند و جو پلیسی و خفقان آور را بر شهر تحمیل کنند.

روز سه شنبه هیجدهم اسفند نیز جمع کثیری از زنان و مردان آزادیخواه با تجمع در بازار مرکزی سنندج و با در دست داشتن پلاکاردهایی در دفاع از آزادی و برابری و با شادی و شور روز جهانی زن را گرامی داشتند.

**قطعنامه هشت مارس و از سایت اشتراک برگرفته شده است:**

**قطعنامه ۸ مارس ۱۳۸۸ سنندج**  
۸ مارس یادآور یک قرن مبارزه مداوم و روزافزون در سراسر جهان است. مبارزاتی که با اعتراض زنان پارچه باف شهر نیویورک آمریکا برای بهبود شرایط کار و زندگی آغاز شد، شکل گسترده ای به خود گرفت و تا امروز هم در کشورهای مختلف جهان در تکاپوست. با این وجود همچنان پیامدهای ضد انسانی نظام سرمایه داری بیشترین آسیب را متوجه زنان زحمتکش، کارگر، حاشیه نشینها، زنان سرپرست خانوار، پرستاران، معلمان و... کرده است؛ از بیکاری، فقر و فحشا گرفته تا انواع بیماریها و آسیبهای اجتماعی، تبعیض، تحقیر، بردگی و لطمات ویرانگر جنگ افروزی. برگزاری مراسم ۸ مارس و تجمعات زنان همواره از سوی دول وابسته به سرمایه‌داری به شدیدترین وجهی به خاک و خون کشیده شده و این فقط ناشی از این هراس است که عظمت خیزش انقلابی زنان و توانایی به انجام رساندن تغییرات اقتصادی و سیاسی در سطوح اجتماع برای نظامهای مردسالار سرمایه‌دار توتالیتر مسجل شده است. سرکوب زنان مشخصا بازتولید نیروی کارازان و ارزانتر، غالب و قالب کردن ایدئولوژی طبقات حاکم و مردسالار، نهادینه کردن تحقیر، توهین و استثمار است. با این حال زنان به

خوبی می‌دانند که رفع هرگونه ستم جنسیتی تنها در گرو رهایی طبقه کارگری است که گسستن زنجیرهای پوسیده فرهنگ مردسالارانه، برچیدن تبعیضات اقتصادی، ملی، قومی، زبانی و غیره را در روند مبارزاتی خود قرارداد و به سرانجام خواهد رساند. جنبش اعتراضی زنان و مردان ایران واقعی است و از هرگونه توهم سبز اصلاحی به دور است ما به رسالت طبقاتی و تاریخی خویش معتقدیم و امروز خواستهای برحق و انسانیمان را بدین گونه اعلام می‌داریم:

۱. ماهرگونه تبعیض جنسی را قویا محکوم می‌کنیم. قوانین، آداب و رسوم، سنن، مذهب و فرهنگ زن ستیزانه‌ی مرد سالار که ریشه طبقاتی دارند باید بر چیده شود.
  ۲. فرهنگ مردسالارانه پدیده‌ای ضد انسانی است و تبعات ناشی از آن از جمله قتل‌های ناموسی، اعدام، قصاص، سنگسار و... جنایت محسوب می‌شوند و مسببین آن باید محاکمه و مجازات شوند.
  ۳. زنان ناموس هیچ کس نیستند؛ توجیه کردن خشونت آشکار و پنهان علیه زنان با هرگونه قضاوت مردسالارانه و ارزشی، محکوم است و باید ملغی شود.
  ۴. تمامی قوانین تبعیض آمیز مربوط به حق ازدواج، حق طلاق، حق حضانت فرزند، حق ورود و خروج از کشور، حق پوشش، حق مسکن، حق تحصیل، حق انتخاب شغل و... که تزییع آشکار حقوق زنان است، باید فوراً باطل شود.
  ۵. استفاده از نهادهای باز تولید فرهنگ زن ستیزانه همچون آموزش و پرورش، صدا و سیما و نهادهای فرهنگی وابسته، به تاراج بردن ثروت طبقات زحمتکش است. برنامه های زن ستیزانه و برنامه های غیراستاندارد آموزشی که روزانه به خورد مردم داده می‌شود، باید
- متوقف شود. ۶. سهمیه بندی جنسیتی کنکور، سرکوب آشکار زنان و دختران است که بیشترین آسیب آن متوجه طبقات زحمتکش است. ما خواهان لغو هرگونه سهمیه بندی جنسیتی و غیره می‌باشیم. آموزش و پرورش در کلیه سطوح باید برای همه سهل‌الوصول، رایگان و مبتنی بر حقوق و ارزشهای انسانی باشد. ۷. ما شدیداً طرحهای جنسیتی را در مکانهای عمومی مانند دانشگاه، سالن‌ها، محل اجتماعات و وسایل ارتباط عمومی محکوم می‌کنیم و خواهان لغو فوری تفکیک جنسیتی در اماکن و اجتماعات هستیم. ۸. آزادی سقط جنین، داشتن اختیار بر بدن و لغو مالکیت مرد بر زن و فرزندان باید به رسمیت شناخته شود. ما خواهان رعایت و حمایت فوری از حقوق انسانی کودکان هستیم. حق مادری چه قانونی چه غیر قانونی باید به رسمیت شناخته شود. ۹. ما در شرایط امروز خواهان پرداخت حقوق و بیمه مکفی به زنان خانه دار هستیم. کار خانگی باید به کار اجتماعی تبدیل شود. ۱۰. خصوصی سازی و قراردادهای موقت و سفید امضا باید متوقف شود. ما خواهان امنیت شغلی رفع تبعیض کامل بین زنان مردان و پرداخت دستمزد و فرصتهای شغلی برابر هستیم. ۱۱. تجمع، اعتراض، اعتصاب، تشکل حق مسلم ماست. بازداشت روز افزون فعالین کارگری، دانشجویی و زنان را قویا محکوم می‌کنیم. تمامی فعالین دربند و فعالین سیاسی و عقیدتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. گرامی باد ۸ مارس پیروز باد طبقه کارگر کمیته‌ی برگزار کننده‌ی ۸ مارس ۱۳۸۸ - سنندج

**زنده باد سوسیالیسم!**

## ...شادباش سال نو

سالی که گذشت کماکان سال مصاف کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان در برابر رژیم جانیان اسلامی، رژیم قداره کشان مدافع سرمایه بود. صف آزادیخواهی و برابری طلبی در تناسب قوایی نامساعد گام به گام در کشمکش مستمر با حاکمان سرمایه و جمهوری اسلامی در نبرد بود. از دستاوردها و حقوق خود دفاع کردیم و در نبردی نابرابر سختیها و حتی عقب نشینیهایی را متحمل شدیم. با وجود آن جنبش حق طلبانه، آزادیخواهانه و برابری طلبانه را زنده نگه داشتیم. اینبار آگاهتر، سازمانیافته تر و قدرتمندتر به میدان می آییم. در سالی که گذشت به دنبال معرکه گیری "انتخاباتی" ما شاهدیم دوجناح بورژوازی، دوجناح سبز و سیاه اسلامی به قیمت تحمیل تباهی و سیاهی بر ما کارگران و مردم، میخوانند به حیات ننگین نظام سرمایه و رژیمشان تداوم بخشند. ما کارگران و مردم آگاه هوشیار بوده و هستیم که نباید به گوشت دم توپ کشمکش جناحهای بورژوازی و جمهوری اسلامی تبدیل شویم.

## کارگران و مردم آزادیخواه کردستان!

با تداوم مبارزه خود علیه کلیت جمهوری اسلامی و عدم حمایت از جنبش سبز نه تنها این هوشیاری و آگاهی را به نمایش گذاشتند، بلکه در مقابل با اعتراضات متعدد کارگری و توده ای و با پیوستن بخش مهمی از کارگران و مردم به اعتصاب عمومی 28 مرداد سالروز حمله جمهوری اسلامی به کردستان، صف متمایز رادیکال و انقلابی مبارزه را در مقابل جامعه قرار دادند. این درس و تجربه بزرگ را باید راهنمای مصافها و مبارزات پیش روی سال آینده قرار دهیم. سال آینده را میتوانیم به سال اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر حول پرچم آزادی و برابری تبدیل کنیم. بار دیگر در سال جدید، برای تان شادی پایدار آرزو می کنم.

رحمان حسین زاده

دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست

اسفند ۱۳۸۸ - مارس ۲۰۱۰

## .... کشتن افراد سازمان و تاکتیک....

کل این فعالیتها و همچنین فراهم کردن ملزومات مسلح کردن خود از طرف بخشی از واحدهای گارد به این هدف باید برسد که در پس تحولات آتی و در روند مبارزه برای سرنگونی انقلابی کلیت بساط حکومت اسلامی، طبقه کارگر و آزادیخواهان از بازوی مسلح و قدرتمند توده ای برخوردار خواهند بود که از امنیت و آزادی و قدرت کارگران و کمونیستها و کل جامعه حراست و دفاع خواهد کرد. اساس نقش پتانسل مسلحانه در روند مبارزه جامعه در این پروسه برجستگی پیدا میکند. نقش آن بالفعل نیست بالقوه است. موارد که گارد و رهبران کمونیست ابراز حضور علنی-سیاسی تبلیغی کرده اند دقیقاً در راستا تقویت و گسترش این پروسه بوده و میباشد. بنا به ارزیابی ما از شرایط این دوره نه تنها "فعالیت مسلحانه" در دستور گارد آزادی نیست بلکه ابراز وجود علنی که به شکل سابق از جانب تعدادی از واحدهای مسلح گارد صورت میگرفت تا اطلاع ثانوی اجرا خواهد شد. گارد آزادی در همراهی با جنبشهای انقلابی از جمله طبقه کارگر، زنان آزادیخواه و جوانان مبارز با وظایف سیاسی که بر شمرده تلاش میکند فضای جامعه کردستان را به نفع کارگر و کمونیست و به زیان جمهوری اسلامی و جنبش سبز و قوم پرستی و سیاست همراهی احزاب قومی در همراهی با بخشهای از رژیم بیش از پیش تغییر دهد.

<http://>[hekmatist.com/011209sam.html](http://hekmatist.com/011209sam.html)[lam.html](http://lam.html)

**نشریه اکتبر را  
بخوانید، آنرا تکثیر و  
بدست خوانندگان  
برسانید، برای آن  
مطلب و گزارش تهیه  
کنید  
اکتبر روز دوشنبه هر  
دو هفته یکبار منتشر  
میشود**

تماس با دبیر کمیته کردستان

رحمان حسین زاده

تلفن: 0046739225969

ایمیل

husienzade\_r@yahoo.com

تماس با روابط عمومی کمیته

کردستان

سالار کرداری

تلفن: 0046700194503

[Rawabet.omumi.k@gmail.com](mailto:Rawabet.omumi.k@gmail.com)

**به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!**